

دکتر دره - میر حیدر
استادیار جغرافیای دانشکده ادبیات

مسئله کشمیر

در روز ۱۵ شهریورماه سال جاری (مطابق باشم سپتامبر ۱۹۶۵) خبر زدو خورد شدید بین نیروهای هند و پاکستان در منطقه کشمیر در صفحه اول روزنامه‌های دنیا منتشر گردید.

بحران کشمیر که برای مدت ۳ هفته مهم‌ترین خبر روز را تشکیل میداد و شدت آن کشورهای بزرگ دنیا را برای شروع یک جنگ بزرگ جهانی نگران کرده بود هنوز تا امروز (۲۱ آذر مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۶۵) بر طرف نشده است.

مسئله کشمیر و اختلاف بین دو کشور هند و پاکستان بر سر تصرف این ناحیه موضوع تازه‌ای نیست و ریشه‌ای عمیق دارد. درست ۱۸ سال پیش یعنی در سال ۱۹۴۷ موقمیکه شبه قاره هند با خارج شدن از زیر تسلط دولت انگلیس بدو کشور هند و پاکستان تجزیه میشد الحاق پرنس نشین کشمیر بیکی از دو کشور ایجاد مسئله‌ای کرد که هنوز هم وجود دارد. بر طبق قطعنامه لاهور که در سال ۱۹۴۰ بامضاء رسید مذهب بعنوان تنها عامل تعیین سرحد بین دو کشور هند و پاکستان شناخته گردید و قرار شد که نواحی مسلمان نشین شمال- غرب و شمال شرقی شبه قاره تشکیل خاک اصلی کشور مسلمان پاکستان را داده و ایالاتی که اکثریت مسلمان دارند با توجه بموقعیت جغرافیایی باین دو منطقه ملحق گردند.

۱- آرشیو روزنامه کیهان از روز ۱۴ امرداد تا ۲۱ آذر ۱۳۴۴.

همچنین متن سخنرانی سردار سوار این سفیق در بیستمین جلسه مجمع عمومی سازمان

ملل در ۱۲ اکتبر ۱۹۶۵.

در موقع الحاق ایالات پرنس نشین بیکی از دو کشور هند و یا پاکستان در مورد سه ایالت حیدرآباد، جوناگده و جامو-کشمیر مسائل و مشکلاتی بروز کرد. مثلاً در مورد حیدرآباد که اکثریت جمعیت آنرا هندوها تشکیل میدادند ولی حاکم آن مسلمان بود وقتی حاکم الحاق ایالت خود را به پاکستان اعلام داشت دولت هند فشون خود را وارد ایالت کرده و مانع از انجام مقصود حاکم مسلمان شد و چون در این مورد دلایل متعدد مذهبی و جغرافیایی داشت با اعتراض دولت پاکستان روبرو نشد ولی در مورد ایالت جامو-کشمیر که درست وضعی مخالف حیدرآباد داشت یعنی با اکثریت مسلمان حاکم آن هندو بود دولت هندوستان حاضر نشد که دولت پاکستان سیاستی نظیر آن در پیش گیرد و بدین علت مسئله کشمیر اهمیت بین المللی پیدا کرده هنوز تا امروز حل نشده است.

برای فهم و درک علت اصلی این اختلاف و اهمیتی که تصرف این قطعه خاک از نظر استراتژیکی و اقتصادی برای هر دو دولت هند و پاکستان دارد در اینجا لازمست که به بررسی کامل جغرافیایی این منطقه پرداخته و ضمن توضیح دلایلی که این دو کشور را برای ادعای خود در مورد تصرف کشمیر دارند در پیدا کردن راه حلی که منافع هر سه کشور را در برداشته باشد اقدام نمائیم.

جغرافیای جامو-کشمیر

جامو-کشمیر بناحیه‌ای گفته میشود که در گوشه شمال غربی شبه قاره هند بین کشورهای پاکستان و افغانستان در طرف مغرب و کشور چین در طرف مشرق واقع شده است این ناحیه که در حدود ۸۲۲۵۸ مایل مربع وسعت و در حدود ۴ میلیون نفر جمعیت دارد ۱۰۰٪ ۷۷ درصد جمعیت آن را مسلمانان ۱۲٪ ۲۰ درصد آنرا هندوها و بقیه را سیخها (sikh) تشکیل میدهند. ۹

از نظر تقسیمات داخلی این ایالت شامل دو استان جامو و کشمیر و دو بخش Gilgit کیلکت و لاداک Ladakh است. استان جامو بنوبه خود شامل ناحیه Poonch و لاداک

۱ - در آمار وسعت و جمعیت کشمیر در منابع مختلفه اختلافات زیادی دیده میشود مثلاً در دائرة المعارف بریتانیکا وسعت جامو - کشمیر ۹۲۷۸۰ مایل مربع ذکر شده در حالیکه در World Almanac ۸۶۰۲۴ مایل مربع ولی در سایر منابع همان ۸۲۲۵۸ مایل مربع ذکر شده است. در مورد جمعیت هم همینطور اختلاف زیادی هست ولی در رقم ۴ میلیون نفر در منابع متعدد توافق کلی حاصل است. این آمار مربوط بسال ۱۹۴۱ میباشد از این تاریخ بیعد آمار جمعیت جامو - کشمیر تخمین زده شده است.

شامل ناحیه Baltistan بالستان میباشد

چون دو استان کشمیر و جامو از نظر جمعیت و وضع اقتصادی مهمترین نواحی کشمیر را تشکیل میدهند بنابراین نام رسمی این منطقه جامو - کشمیر است .
از نظر وضع طبیعی کشمیر را میتوان منطقه‌ای کوهستانی دانست . باستانی‌ترین قسمت باریکی از ناحیه جنوب غربی که جلگه ایست بقیه نقاط کشمیر بیش از ۱۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند . مرتفعترین نقطه کشمیر در شمال شرقی است آنجا که رشته کوه قره قوروم Karakorum با ارتفاع در حدود ۵۰۰۰ متر از شمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده است .

در جنوب غربی کشمیر در استان جامو زمین از جلگه رسوبی باریکی در امتداد سرحد پاکستان قرارداد بدترجیح مرتفع شده و برشته کوه پیر پنجال Pir Panjal که ارتفاع آن بیش از ۳۰۰۰ متر است و در شمال استان جامو واقع شده منتهی میگردد .
استان جامو که شامل نزدیک به نیمی از جمعیت منطقه جامو - کشمیر است دارای یک اکثریت هندوست که همیشه آنها از راه کشاورزی تأمین میشود . بهمین علت است که مردم جامو اکثراً در جلگه پنجاب در امتداد دره‌های دو رود Jhelum جلوم و چناب Chenab پراکنده هستند . جامو تنها ناحیه ایست که در کشمیر تحت تأثیر بادهای موسمی تابستان قرار میگیرد و دارای بیش از ۱۰۰ سانتیمتر باران سالیانه است . پایتخت زمستانی کشمیر شهر جامو است که در این استان واقع شده و محل تلاقی راه شوسه و خط آهنی است که کشمیر را بپاکستان و هندوستان متصل میسازد .

در شمال رشته کوه پیر پنجال قسمت علیای رود Jhelum واقع شده و بنام دره کشمیر Vale of Kashmir معروفست . دره معروف کشمیر که قسمت اعظم استان کشمیر را تشکیل میدهد بعلت وضع خاص طبیعی خود یک واحد مشخص و ممتاز جغرافیائی را بوجود آورده است . باین معنی که این دره از اطراف توسط دورشته کوه پیر پنجال و هیمالایا محاصره

۳ - این اطلاعات جغرافیائی از منابع زیر بدست آمده است .

Robert C. Mayfield, « A Geographical study of the Kashmir Issue » Geog. Review, pp. 181-196.

Josef Korbel, Danger in Kashmir. pp.

نقشه ۱ و ۲ از نقشه‌های مقاله Mayfield اقتباس شده . توسط خان مہین فرزین در

مؤسسه جغرافیا ترسیم شده است .

شده و باین ترتیب در پناه بادهای موسمی تابستانی منطقه جامو قرار گرفته است معروفیت این دره هم بیشتر بعلمت خنکی و لطافت هوای تابستانی آن است که از قدیم توجه خانواده‌های انگلیسی که برای رهایی از گرما و هوای مرطوب تابستانی هند باین منطقه هجوم می‌آوردند بوده است .

ساکنین این دره که تعداد آنها بیش از ۱۶۰۰۰۰۰ نفر است اکثراً مسلمان بوده و از نظر فرهنگی و مذهبی هم يك واحد جغرافیایی را بوجود آورده‌اند . زبان این مردم زبان کشمیری است و معیشت آنها از راه کشاورزی بر روی خاک رسوبی و حاصلخیز دره تأمین میگردد . بضمیمه کشاورزی جنگلداری و تجارت چوب نیز از منابع مهم درآمد این دره محسوب میشود . از نظر صنعتی دره کشمیر مهمترین منطقه جامو - کشمیر را تشکیل میدهد . صنایع دره کشمیر بسیار تخصصی و بیشتر از نوع صنایع دستی است . از سالها پیش بافت شال کشمیری از فرآورده‌های مخصوص این دره بوده و در بازارهای دنیا خواستار فراوان داشته است . امروزه صنعت شال باقی جای خود را بصنایع جدیدتر مثل قالی بافی - ابریشم بافی نقره‌سازی و صنایع چوبی داده است . بعلمت داشتن آب و هوای خوب و فرح بخش جهانگردی نیز در دره کشمیر رونق فراوانی داشته و از منابع مهم درآمد منطقه جامو - کشمیر محسوب میشود . شهر سر نیاگار Srinagar که پایتخت تابستانی جامو - کشمیر است محل تلاقی تمام راههای مهم این ایالت نیز بوده و توسط يك راه شوسه از یکطرف بمرز پاکستان و از طرف دیگر بمرز هند متصل میگردد .

از طرف مشرق نیز شهر سر نیاگار توسط راه شوسه‌ای به Leh که مرکز بخش لاداخ است متصل شده و از آنجا بمرز تبت مربوط میشود . گذشته از دو استان جامو و کشمیر بقیه خاک کشمیر که شامل بخش‌های گیلکت Gilgit و بالتستان Baltistan و لاداخ است از کوههای مرتفع و دره های باریک و عمیق پر شده است . رشته کوههای بسیار مرتفع هیمالا یا - زسکار Zaskar و قره قوروم توسط دره رود سند و شعباتش از یکدیگر جدا میشوند . این منطقه بزرگ کوهستانی که از نظر وسعت سه چهارم خاک جامو - کشمیر را در بردارد فقط دارای ۳۰۰ هزار نفر جمعیت است که بصورت پراکنده در دره رود سند و شعباتش زندگی میکنند .

گرچه از نظر طبیعی شباهتی بین این سه بخش کشمیر وجود دارد ولی از نظر انسانی سه واحد کاملاً مجزا را تشکیل داده و هیچ گونه قرابتی بین آنها از نظر نژادی - زبانی و مذهبی نیست .

مردم بخش لاداخ از نژاد مغولی هستند و مذهب آنها هم بودائیست . قرابت بین مردم لاداخ و مردم تبت که در همسایگی بسر میبرند نه تنها از نظر زبان و مذهب است بلکه از نظر رژیم مالکیت نیز میباشد .

ساکنین بخش بالتستان از نژاد هندوآریائی هستند و بمذهب اسلام گرویده اند . همیشه اصلی این مردم از راه دامداری و گله‌داری تأمین میشود . کشاورزی هم بطور پراکنده در امتداد دره رودسند و شعبات آن انجام میشود .

مردم بخش گیلکت از قبایل Pathan پاتان هستند که از نظر نژادی و زبانی جزئی از قبایل پاتان افغانستان و مردم سرحدات شمال غربی پاکستان میباشد . پاتان ها عموماً مسلمانند و از راه اشتغال بگله‌چرانی همیشه خود را میگذرانند . در زندگی چادر نشینی و کوچ نشینی این مردم اغلب مجبور میشوند سرحدات سیاسی را نادیده گرفته و در دنبال چراگاه خوب از خاک يك کشور بخاک کشور همسایه رفت و آمد نمایند . پاتان ها گرچه از مسلمانان متمصب هستند ولی از نظر سیاسی و نظامی طرفدار آزادبخواهان کشمیر بوده و در اغتشاشات سال ۱۹۴۷ بکمک نیروهای آزادبخوا کشمیر برخاستند .

با توجه بمطالب بالا اینطور نتیجه گرفته میشود که منطقه جامو - کشمیر با وجود کوچکی وسعت بهیچوجه دارای وحدت طبیعی و یا انسانی نیست . از نظر طبیعی وجود کوهستانهای مرتفع و دره‌های باریک و عمیق مانع از آسانی ارتباط و نزدیکی بین مردم شده و در نتیجه گذشته از عده‌ای که در دره کشمیر متمرکز هستند بقیه در نقاط مختلف پراکنده میباشد . از نظر انسانی هم وجود نژادها و زبانهای مختلف وجه اشتراك بین مردم کشمیر را از بین برده و از نظر سیاسی هر دسته را بیک طرف متمایل کرده است . از نظر مذهب هم گرچه ۷۷ درصد مردم مسلمانند ولی بهیچوجه نمیتوان وجود آن ۲۳ درصد اقلیت را نادیده گرفت .

تاریخچه اختلاف هند و پاکستان در کشمیر

کشمیر با تعریفی که از آن ذکر شد در حدود یک قرن پیش بوجود آمد . بدین ترتیب که امیر هندی که از قبیله دوگرا Dogra بود و امارت نواحی جامو - لاداخ و بالتستان را در دست داشت با خرید ویل کشمیر از انگلیس ها بتأسیس منطقه جامو - کشمیر پرداخت .

در اوت سال ۱۹۴۷ موقعیکه به پرنس‌های ایالات مختلفه شبه قاره هند دستور داده شد که باید تصمیم خود را راجع بالحاق بیکی از دو کشور هند و پاکستان اعلام نمایند امراء سه ایالت حیدرآباد - جوناگده و جامو - کشمیر سعی کردند که استقلال خود را حفظ نموده و از الحاق بکشور دیگر خودداری نمایند . در مورد ایالت جامو - کشمیر با وجود اکثریت مسلمانی که ساکن این منطقه بودند مهاراجه هندی کوشش میکرد که شاید بتواند استقلال سابق خود را همچنان نگاهدارد . در این گیرودار بود که در کشمیر بخصوص در ناحیه

سرحدی پاکستان اغتشاشاتی رخ داد و اهالی کشمیر عموماً بخصوص هندوها و سیخ ها مورد حمله و قتل غارت قبایل بدوی و مسلمان پاتان Pathan که در سرحد افغانستان بسر میبردند قرار گرفتند .

حاکم هندی کشمیر ناچار از قوای خود برای سرکوبی غارتگران استفاده کرده و در نتیجه عده ای از مسلمانان که در کشمیر و جامو زندگی میکردند کشته شده و یازدانی شدند . هنگامی که اغتشاشات داخلی باوج خود رسیده بود دولت هندوستان بفرکر کمک بحاکم هندی کشمیر افتاد ولی مونت باتن Mountbatten که فرماندار کل انگلیسی هند بود و هنوز اداره امور شبه قاره هند را در دست داشت پیشنهاد کرد که کمک هند بکشمیر موقعی میتواند رسمی باشد که حاکم کشمیر الحاق خود را بدولت هند رسماً اعلام نموده باشد . باین ترتیب دولت هند از مهاراجه خواست که بهندوستان ملحق گردد و مهاراجه هم قبول کرد .

گفته میشود که الحاق کشمیر بهندوستان باین شرط توسط مونت باتن^۱ پیشنهاد شد که تصمیم نهایی موکول بخواست مردم کشمیر توسط اجرای رفراندوم گردد . وقتی که الحاق کشمیر بهند رسماً اعلام شد قشون هند وارد کشمیر شده و بسرکوبی قیام کنندگان پرداخت .

دخالته سر بازان هندی در زد و خورد بین عمال مهاراجه و مسلمانان کشمیر باعث شد که دولت پاکستان هم نیروی خود را برای مقابله بان نیروی هند وارد کشمیر نماید و در نتیجه کشمکش دونیروی هندوپاکستان آغاز شد ومدت یکسال طول کشید. در طی این مدت نیروی پاکستان نه تنها پیشرفت قشون هند را در کشمیر متوقف ساخت بلکه بتأسیس منطقه کشمیر آزاد در ناحیه آشنالی خود اقدام نمود.

هندوستان که در پیشرفت خود با قوای نظامی پاکستان روبرو شده بود ناچاراً بسازمان ملل متحد متوسل شد و در نتیجه دخالت شورای امنیت دولتن مجبور به اعلام آتش بس گردیدند و خط آتش بس در ژانویه ۱۹۴۹ حد پیشرفت قوای دو کشور را در کشمیر تعیین نمود .

بعد از اعلام آتش بس از طرف دو دولت هندوپاکستان بادخالت سازمان ملل متحد قطعنامه هایی چند که بنام قطعنامه های یونسپپ unqip معروفست بامضاء دولتن رسید بر طبق مواد این قطعنامه ها قرار شد که بعد از اعلان آتش بس و علامتگذاری خط آتش بس بر روی زمین دولت پاکستان و بعد دولت هندوستان بتخلیه قوای خود در منطقه کشمیر اقدام نمایند . ضمناً بدولت هند حق داده شد که از حداقل قوای نظامی خود که لازمه

۱- این مطلب از کتاب «خطر در کشمیر» ومقاله mayfield که شرح کامل آن در بیلیوگرافی آمده است گرفته شده است .

حفظ امنیت و برقراری نظم در داخل کشمیر است استفاده نماید . سپس قرارداد که پس از خروج قوای دولتی هندوپاکستان از کشمیر و حصول اطمینان از برقراری نظم مقدمات ایجاد یک رفرا ندوم در این ایالت فراهم شود تا مردم این منطقه بتوانند سهولت عقیده خود را نسبت به الحاق به هندو یا پاکستان اظهار دارند . این رفرا ندوم تحت نظر نمایندگان سازمان ملل انجام خواهد گرفت .

بعد از امضاء این قرارداد جنگ بین هندو پاکستان در اول ژانویه ۱۹۴۹ متوقف شد و مسیر خط آتش پس در ۲۷ جولای همان سال بر روی زمین تعیین گردید . ولی در اجرای تخلیه قوای دو دولت هند و پاکستان از کشمیر مسامحه شد و چون دولت هند از بیرون بردن قوای خود از کشمیر امتناع نمود دولت پاکستان هم به حفظ نیروهای خود در کشمیر همچنان پافشاری مینمود و دو دولت همچنان یکدیگر را بنقض عهد متهم مینمودند . چون قسمت اول مواد قطعنامه های UNCIP انجام نشد شرایط برای ایجاد رفرا ندوم توسط سازمان ملل هرگز فراهم نگردید و در نتیجه امروز پس از گذشت ۱۶ سال مسئله کشمیر همچنان بقوت خود باقیست .

در چهار ماه گذشته موقمی که دوباره بحران کشمیر صورت جدی بخود گرفت دولت هند رسماً گناه را بکردن پاکستانیها که از خط آتش پس عبور کرده بودند گذاشت در حالیکه پاکستان اصرار داشت که قیام توسط آزادخواهان کشمیر انجام گرفته و دولت پاکستان در آن هیچگونه دخالتی نداشته است در طی این مدت قشون هندوستان از خط آتش پس سال ۱۹۴۹ عبور کرده و قسمتی از خاک کشمیر تحت اشغالی پاکستان را تصرف نمودند تا بتوانند رفروفتگی خط آتش پس در ناحیه اوری-پونچ uri-Poonch را ازین برده و بصورت خط مستقیم در آورند (نقشه ۳)

تصرف این ناحیه برای هندوستان از نظر استراتژیکی مهم بوده است . دولت پاکستان هم در اولین فرصت قوای خود را در طرف دیگر خط متمرکز کرده و بتصرف ۲۵۰ مایل مربع از ناحیه اشغالی هند در کشمیر و قسمتی از خاک هند در راجستان پرداخت .

سازمان ملل متحد مجبور شد بدولتین هندوپاکستان اولتیماتوم ۴۹ ساعته برای اعلام آتش پس بدهد و اصرار داشت که هر چه زودتر با اخراج نیروهای هندوستان از خاک کشمیر موضوع رفرا ندوم را عملی سازد . در چهارشنبه ۳۱ شهریور هندوپاکستان رسماً اعلام آتش پس نمودند ولی هنوز دو روز ازین تصمیم نگذشته بود که تیراندازی در دو طرف خط شروع شد و هر یک از دولتین دیگری را بنقض مقررات آتش پس متهم نمود . امروز (۲۱ آذر ۱۳۴۴) گرچه زد و خورد های محلی بین دونیرو در اطراف خط آتش پس ادامه دارد ولی دولتین هندو پاکستان رسماً اعلان آتش پس نموده و خود را برای مذاکرات جدی صلح و سازش نهائی راجع بکشمیر آماده ساخته اند طبق آخرین اطلاع قرار است که در اوایل ژانویه ۱۹۶۶ با دخالت دولت شوروی کنفرانسی در شهر تاشکند Tashkand با

حضور رئیس جمهور پاکستان و نخست وزیر هند انجام گیرد و در آن کنفرانس امید میرود که راهی برای حل این مسئله بمیانجیگری دولت شوروی پیدا شود.

بمنظور پیدا کردن راه حلی برای مسئله کشمیر لازمست ابتدا دلایل دو دولت هند و پاکستان را برسر تصرف کشمیر مورد بررسی قرار دهیم و با توجه بدلائل هر یک راهی که موجبات رضایت دو دولت هند و پاکستان و آزادیخواهان کشمیر را فراهم سازد در نظر بگیریم .

دلایل پاکستان در تصرف کشمیر

همانطور که وزیر خارجه پاکستان محمد ظفراله خان در نطقی که در ۶ مارچ ۱۹۵۱ در شورای امنیت ایراد نمود اظهار داشت دولت پاکستان معتقد است که کشمیر بدلائل متعددی که براساس عوامل متعدد نژادی، فرهنگی، مذهبی، موقعیت جغرافیائی و راههای ارتباطی- موقعیت اقتصادی و استراتژیکی پایه گذاری شده است باید بپاکستان داده شود. البته چنین نظریه ای بآسانی قابل قبول نیست و احتیاج ب بررسی دقیق داد. آنچه مسلم است اینست که ذکر این عوامل از این نظر مفید است که ما ادعای پاکستان را براساس آنها مورد مطالعه قرار دهیم .

۱- عوامل نژادی- فرهنگی و مذهبی : مهمترین عاملی که اساس ادعای پاکستان را در تصرف کشمیر تشکیل میدهد و از نظر بین المللی هم مورد قبول عموم میباشد عامل مذهب است در تجزیه هندوستان و بخصوص در قطننامه لاهور تنها عامل تعیین سرحد بین دو کشور هند و پاکستان عامل مذهب قلمداد گردید و اگر متن قطننامه فوراً بمورد اجرا گذاشته شده بود قطعاً کشمیر بدولت پاکستان داده میشد. حالا هم بعلمت داشتن اکثریت مسلمان اگر رفتاردومی در کشمیر انجام شود امکان زیادی هست که مسلمانان تمایل خود را در الحاق بپاکستان اعلام کنند. ولی گذشته از مذهب ادعای پاکستان در موارد نژادی و فرهنگی بی اساس است چون از این لحاظ در کشمیر هیچ نوع وحدت و هم آهنگی موجود نیست و همانطور که قبلاً ذکر شد هندوها و تبتی ها که از لحاظ مذهب و زبان و نژاد با مردم دره کشمیر تفاوت فاحش دارند چندان تمایلی بالحاق بیک کشور مسلمان نخواهند داشت و اگر قرار شود سر نوشت سیاسی کشمیر براساس عوامل نژادی و فرهنگی تعیین شود و رضایت عموم تامین گردد باید آنرا بقطعات کوچکی تقسیم کرده بین کشورهای همسایه هندوستان و چین و افغانستان و پاکستان توزیع نمود .

۲- موقعیت جغرافیائی : ادعای دوم پاکستان براساس موقعیت جغرافیائی کشمیر نسبت بپاکستان است. پاکستان معتقد است که کشمیر از نظر طبیعی در حقیقت دنباله خاك پاکستان است و باید بآن ملحق گردد چون رودسند که مهمترین رود پاکستان است دره علیای خود را در خاك کشمیر دارد و نیمی از اراضی شمال کشمیر توسط شعباتی که وارد

رودسند میگردند مشروب میشود . بعلاوه رود جلوم Jhelum که دره علیای آن بنام ویل کشمیر Vale of Kashmire معروفست وشامل پرجمعیتترین منطقه کشمیر است بطرف مغرب جاری گردیده وبرودسند درپاکستان میپیوندد بعلاوه توسط دره این رود است که رفت و آمد بین کشمیر وپاکستان تسهیل گردیده است .

در مورد این ادعای پاکستان باید گفت که درست است که پاکستان از این نظر از کشور هند که توسط کوههای بزرگ هیمالایا و رشته کوه پیرپنجال از کشمیر مجزا شده جلوتر است ولی برخلاف آنچه که ظاهراً بنظر میرسد باید دانست که عملاً به علت وجود کوههای مرتفع و دره های بسیار باریک و عمیق که بین ناحیه لاداخ و پاکستان وجود دارد رودسند نتوانسته يك عامل وحدت بین این قسمت از کشمیر وپاکستان باشد و در نتیجه مردم لاداخ و دره های اولیای رود سند وشعباتش بامردم تبت وهند نزدیکتر تا مردم ویل کشمیر .

۳ - راههای ارتباطی : قبل از تجزیه شبه قاره هند راههای حمل و نقل

کشمیر که عبارت از يك راه شوسه قابل استفاده در تمام سال و يك خط آهن بود بسیستم ارتباطی نواحی مسلمان نشین که پیاکستان داده شده بود متصل میگرددیدند . بمدان تجزیه هم مسئولیت اداره وتوسعه خطوط ارتباطی کشمیر بدولت پاکستان داده شد . علت اصلی چنین پیشنهادی بیشتر مربوط باسانی ارتباط بین پاکستان و کشمیر از نظر طبیعی و مربوط بوجود دره های است که بین پاکستان و کشمیر ایجاد تاسیس راههای شوسه وخط آهن را آسان کرده است . خط شوسه از يك طرف از طریق گردنه بارامولا شهر سریناگار پایتخت تابستانی کشمیر را بشهر راولپندی درپاکستان متصل میسازد و از طرف جنوب هم بابعور از گردنه بانیهال که در حدود سه هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد بشهر جامو و از آنجا بخط آهن بیست و پنج کیلومتری وصل میگردد که پس از عبور از سرحد پاکستان بشهر سیالکوت واقع درپاکستان غربی ملحق شود . راه معروف به بانیهال که از گردنه ای بهمین نام عبور میکند و امروز در منطقه اشغالی هند بنام راه نظامی هند معروف است در ماههای زمستان در اثر برف و یخبندان قابل استفاده نبود ودولت هند اخیراً با ایجاد تونلی در محل گردنه این راه را برای تمام مدت سال قابل استفاده نموده است .

از نظر ارتباطی ناحیه جنوب غربی کشمیر و ویل کشمیر بطرف پاکستان باز هستند و چون دره کشمیر محل تلاقی تمام راههای ارتباطی موجود در جامو - کشمیر است بنابراین موقعیت پاکستان در این زمینه به مراتب بهتر از موقعیت هند است ولی چون دولت پاکستان هیچ کوششی برای بهبود وضع ارتباطی کشمیر در قسمت اشغالی خود ننموده و برعکس هندوستان با ایجاد چند راه شوسه که در تمام سال میتواند مورد استفاده واقع شود اقدام کرده است بنابراین نه تنها مزیتی که از این نظر از آن پاکستان بوده بتدریج بر طرف نموده بلکه از نظر ارتباطی از رقیب خود يك قدم هم جلوتر است .

۴- روابط تجارتي و توسعه اقتصادی - دولت پاکستان ادعا دارد که

کشمیر از نظر تجارتي وابسته پاکستان است و مهمترین نقطه اتکاء وی در این ادعا صادرات چوب جنگلی کشمیر است که مهمترین بازار فروش خود را در پاکستان یافته و با استفاده از جریان آب رودخانه جلوم بنواحی پنجاب و سند که مهمترین نواحی مصرف کننده را تشکیل می دهند می رسد. بعد از چوب دومین عامل مهم صادرات کشمیر میوه و سبزی خشک شده است که گرچه شهرهای بزرگ هندوستان همیشه مهمترین بازار فروش را برای این قبیل محصولات تشکیل میداده اند ولی بندر کراچی مهمترین شهر توزیع کننده این محصولات بوده است.

گذشته از این دو نوع محصول بازار فروش برای صنایع دستی کشمیر در هند است و در حالیکه پاکستان همیشه راجع به توسعه صنعتی در کشمیر صحبت میکند ولی هندوستان عملاً دست با اقداماتی مفید زده و با حفاظت از محصولات دستی کشمیری و ایجاد بازارهای مطمئن برای آنها منابع درآمد خوبی برای تهیه کنندگان این نوع محصولات بوجود آورده است. در مورد صنعت توریستی کشمیر در حقیقت وابسته به هند و پاکستان است. چنانچه آمار دولتی جامو کشمیر نشان میدهد در حدود شصت و پنج درصد مردمی که بعنوان جهانگرد به کشمیر می آیند از راه دره کشمیر بخصوص از طرف مرز پاکستان که رفت و آمد آسان تر است می آیند. در حالیکه مبدأ تمام این جهانگردان از کشور هند است البته پیشرفتهائی که در امور ارتباطی اخیراً در منطقه تحت تسلط هند شده است در تضعیف وابستگی بین پاکستان و کشمیر از نظر ارتباطی و توریستی بی اثر نیست.

۵- آبیاری و تولید نیروی هیدروالکتریک

علاوه بر دلایلی که در بالا ذکر شد دولت پاکستان مدعی است که تصرف کشمیر از دو نظر یکی توسعه نیروی هیدروالکتریک و دیگری از لحاظ حفظ منابع آبی بمنظور آبیاری نواحی سند و پنجاب برای پاکستان اهمیت حیاتی دارد. چندین سال قبل از بوجود آمدن پاکستان برنامه ریزان مسلمان محل کشمیر را برای ایجاد نیروی هیدروالکتریک و در نتیجه توسعه صنعتی پاکستان در نظر گرفته بودند و هدف این بوده است که ضمن اجرای چنین پروژه ای در توسعه اقتصادی کشمیر هم گامی برداشته شود.

از نقطه نظر حفظ منابع آبی برای توسعه سیستم آبیاری دولت پاکستان برای برانگیختن عقاید بین المللی موضوع را پیش از آنچه حقیقتاً لازم است مهم جلوه داده و تصرف کشمیر را توسط هند يك لطمه بزرگ باقتصاد پاکستان قلمداد نموده است.

بررسی وضع طبیعی کشمیر نشان میدهد که این موضوع بچند دلیل اهمیت چندانی ندارد. یکی اینکه وجود کوههای هیمالایا و پیرپنجال در اطراف سرچشمه های رود جلوم مانع از برگرداندن آب رودخانه به پنجاب شرقی توسط هند است. دوم اینکه در امتداد دره سند در آن قسمت که در خاک کشمیر جاری است دولت هندوستان نه تنها قنات فاقد هرگونه پروژه برای تولید نیروی هیدروالکتریک و یا ذخیره آب است بلکه در آینده هم بعلت هزینه

بسیار گزافی که ایجاد چنین سدی دربر خواهد داشت امکان اقدام بچنین کاری ضعیف است. مهمترین تاسیسات آبی که بعد از تقسیم شبه قاره توسط دولت هند ایجاد شده است بر روی رود سوتلج Sutlej است که منحصرأ درخاک هند جاری است و هیچ شعبه‌ای در کشمیر ندارد. فقط تنها خطری که الحاق کشمیر به هندوستان از نظر آبیاری برای پاکستان خواهد داشت استفاده از آب رود چناب میباشد که قرار است توسط تونل انحرافی که حفر خواهد شد از آب آن برای آبیاری زمینهای اطراف رود راوی استفاده شود. بنا بر این تنها با استفاده از این راه است که پاکستان میتواند نظر دول دیگر را نسبت با دعای خود جلب نماید.

۶- ملاحظات استراتژیکی: از نظر استراتژیکی دلیل پاکستان این است

که با از دست دادن کشمیر از نظر نظامی طوری تحت مخاطره دولت هندوستان قرار خواهد گرفت که قادر بدفاع سرحدات شرقی خود نخواهد بود. ظاهراً منطق چنین ادعائی بر این اساس است که چنانچه کشمیر جزء کشور هند گردد با استفاده از دره‌های سهل الوصول حمله از طرف هند آسانتر خواهد گردید و باین دلیل تصرف ناحیه جنوب غربی کشمیر از نظر استراتژیکی برای پاکستان اهمیت فراوان خواهد داشت.

دلایل هندوستان در تصرف کشمیر

مهمترین عاملی که اساس ادعای هندوستان را در تصرف کشمیر تشکیل میدهد این است که حاکم هندی کشمیر در سال ۱۹۴۷ رسماً الحاق ایالت خود را به هندوستان اعلام کرده است. بر اساس این منطق بعلمت اینکه کشور هند فاقد هر گونه وحدت جغرافیائی با کشمیر است دولت هندوستان سعی کرده که با اجرای برنامه‌های عمرانی در کشمیر و بخصوص بهبود وضع ارتباطات و ایجاد بازارهای پردرآمد برای صنایع دستی نظر مردم کشمیر را بطرف خود جلب نماید و شاید تا حدود زیادی هم در نیل باین مقصود موفق گردیده است.

۱- دلایل نژادی و مذهبی: صرف نظر از مسلمانان کشمیر که پشتیبان دولت پاکستان هستند دو گروه اقلیت هندی و تبتی که در دو ایالت جامو و لاداخ زندگی میکنند طرفدار دولت هند میباشند و این خود نشانه‌ایست که اگر فرصت اجرای رفراندوم بپسردم کشمیر داده شود این عده رای بالحاق به هندوستان خواهند داد.

۲- دلایل اقتصادی: از نظر اقتصادی دولت هند معتقد است که چون کشمیر بطور کلی ناحیه‌ایست کشاورزی برای توسعه اقتصادی خود ناچار است که بمرکز صنعتی هندوستان دسترسی کامل داشته باشد و برای تثبیت این موضوع به آمار و ادرات محصولات نساجی پنبه‌ای و شکر که دو رقم مهم را تشکیل میدهند اشاره نموده باین نتیجه میرسد که هندوستان بهتر از پاکستان میتواند احتیاجات کشمیر را تامین نماید. با توجه باینکه اجناس چرمی و غلات که از پاکستان وارد میشود نیز از ارقام مهم وارداتی هستند بنا بر این دلیل کشور هندوستان در این مورد چندان قانع کننده نیست.

بقیه از صفحه ۱۶

از زمان تاسیس خط آتش بس در سال ۱۹۴۹ دولت هند با اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی و با دادن اختیارات به حکام محلی کشمیر نظر مردم را بطرف خود معطوف کرده است. همچنین بمنظور حمایت از کارگران صنایع دستی کشمیر دولت هند بتأسیس بازارهای منافع لازم را برای فروش محصولات آنها تضمین میکند پرداخته است ولی کوشش هندوستان در مورد جلب صادرات چوب باین کشور با عدم موفقیت روبرو شده است چون به آب انداختن چوبها در رودخانه جاوم و حمل آنها بپاکستان از این طریق بمراتب سهل تر است تا از طریق راه شوسه بانیهال.

۴- دلایل استراتژیکی - اهمیت استراتژیکی کشمیر برای هندوستان بیشتر از نظر تصرف ناحیه لاداخ است و آن مبنی بر چند اصل است یکی توجه خاص دولت هند برای تأسیس و کنترل يك منظمه سرحدی در کوههای هیمالایا . دوم ارتباط نژادی بین مردم لاداخ و مردم تبت بعلمت از دیاد فعالیتها و عملیات نظامی چینیهادر تبت دولت هندوستان مصمم است که کنترل دقیق بر روی تمام راههایی که از هیمالایا گذشته بچلکه هند میرسند داشته باشد.

حل مسئله کشمیر

جنگ اخیر بین هند و پاکستان بر سر کشمیر و تجاوز قشون هندی و پاکستانی بخاک يك دیگر باعث شده که فعلا جنبه استیاسی این مسئله بر سایر جنبه‌های آن فزونی یابد . باین معنی که امروزه دولتین هند و پاکستان بیشتر سعی دارند از نظر حفظ آبرو و شخصیت بین المللی خود بر منطقه کشمیر تسلط یابند تا بمثل جغرافیائی و مذهبی . بنا بر این هر يك میکوشد که نظردنیا را نسبت بادعاهای خود جلب نموده و وضع حق بجانبی بخود بگیرد . بهمین دلیل است که برای حل مسئله کشمیر دولت‌های بزرگ پیشنهاد میانجی گری کرده اند و پیشنهاد دولت شوروی راجع بشکلیل کنفرانس تاشکند که قرار است در اوایل ژانویه سال ۱۹۶۶ با حضور روسای دولتین هند و پاکستان و شوروی انجام گیرد مورد قبول واقع شده است . قبل از هر چیز باید دید نظر دولت‌های پاکستان و هندوستان در حل مسئله کشمیر چیست؟

دولت پاکستان تنها راه حل را در اجرای رفتارندوم میدانم و معتقد است که باید نظرورای مردم کشمیر را در الحاق بیکي از دو کشور هند و پاکستان خواست و این نظر هر چه باشد باید مورد قبول و احترام هر دو دولت هند و پاکستان قرار گیرد . اگر اکثریت مردم کشمیر رای بالحاق به هند بدهند همان طور که دلخواه آنهاست بدولت هند خواهند پیوست و اگر همانطور که انتظار میرود اکثریت مردم مسلمان رای بالحاق بپاکستان دهند باز هم نظر مردم باید مورد قبول واقع شود . منتهی در صورت دوم دولت پاکستان حاضر است برای

تأمین نظر گروه های اقلیت هندو و سیخ هر طور که آنها میل داشته باشند عمل نماید و در صورت تمایل منطقه ای را که اکثریت جمعیت آن هندو است به هندوستان واگذار کند . البته این عمل بعد از اجرای رفراندوم صورت خواهد گرفت .

اما نظر دولت هندوستان در حل کشمیر با نظر پاکستان کاملاً متفاوت است . دولت هندوستان انجام رفراندوم را بدلیل اشکالاتی که ممکن است برای اتحادیه هند بوجود آورد لازم نمیداند و معتقد است که برای حل مسئله کشمیر از راههای دیگری باید استفاده کرد مثلاً تقسیم کشمیر در امتداد خط آتش بس که در نتیجه دو سوم اراضی کشمیر به هندوستان تعلق خواهد گرفت مورد توجه دولت هند است و در سال ۱۹۵۶ پانندینهر و نخست وزیر وقت هند با این نظر موافق بود .

آنچه مسلم است این است که مسئله کشمیر باید هر چه زودتر بوضع مسالمت آمیزی حل شود . با توجه باینکه کشور هندوستان با داشتن پنجاه میلیون نفر مسلمان امروزه سومین کشور بزرگی مسلمان جهان را تشکیل میدهد اختلاف و دشمنی بین دو کشور دوست و همجوار هند و پاکستان بهیچ وجه صلاح نیست . اگر دولت هندوستان با اخراج نیروهای خود از منطقه کشمیر زمینه را برای اجرای رفراندوم فراهم سازد و رای مردم کشمیر در مورد الحاق بیکی از دو کشور مجاور در شرایط مناسب خواسته شود مسئله کشمیر حل شده است ولی در غیر این صورت باید بفکر راه حل دیگری افتاد که نه تنها با منافع دو کشور هند و پاکستان تناقض نداشته باشد بلکه نظر و عقیده مردم آزادخواه کشمیر را هم مورد توجه قرار دهد .

بین پیشنهادات مختلفه موضوع استقلال و خودمختاری ایالت جامو - کشمیر که بیشتر مورد توجه آزادخواهان و مل کشمیر بوده است عملی نیست . کشور احتمالی جامو - کشمیر برای ایجاد استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی و استقرار خود احتیاج بنیروی کافی نظامی و اقتصادی دارد که مناسبانه در وضع فعلی فاقد آنست .

راه حل دیگری که بنظر میرسد تا حدود زیادی منافع و تمنیات هر سه کشور را جوابگو باشد اینست که استانهای گیلگت و بالستان که در نتیجه وجود خط آتش بس تحت اشغال نیروی پاکستانی بوده است به پاکستان داده شود و ایالت جامو که دارای اکثریت هندو است و لاداخ که از نظر اقتصادی و استراتژیکی مورد توجه هندوستان است بکشور هند داده شود و چون دره کشمیر دارای اکثریت مسلمان است و فعلاً قسمت اعظم آن جزء ناحیه اشغالی هند میباشد و آزادخواهان کشمیر علاقه با استقلال آن دارند بصورت منطقه آزاد تحت نظر سازمان ملل اداره شود . همراه با آزادی سیاسی آزادی تجارت و دسترسی بکالا و بازارهای هر دو کشور هند و پاکستان هم بدره کشمیر داده خواهد شد . باین ترتیب کشمیر آزاد میتواند با استفاده از راهی که توسط هندیها تممیر و قابل استفاده شده است محصولات صنایع دستی و میوه های خشک شده خود را به بازارهای هندی که با قیمت مناسب فروخته میشود بفرستد و از طرف دیگر چوب هم که از نظر اقتصادی اهمیت زیادی برای کشمیر دارد توسط رود جلوم به

بازار فروش در پاکستان فرستاده خواهد شد. صنعت توریستی که از منابع مهم درآمد دره کشمیر است با آزاد کردن این منطقه طبیعتاً توسعه خواهد یافت و افراد توریست از هر راهی که انتخاب کنند چه از طرف کشور هند و چه از طرف کشور پاکستان بدره کشمیر راه خواهند یافت.

منابع فارسی که در تهیه این مقاله مورد استفاده واقع گردیده است

- ۱- مصاحبه با سفیر کبیر پاکستان
- ۲- مصاحبه با دبیر اول سفارت هند
- ۳- داستان کشمیر از ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۵ میلادی. از انتشارات اداره فیلم و مطبوعات دولت پاکستان
- ۴- آتش بس و بعد. از انتشارات فیلم و مطبوعات دولت پاکستان
- ۵- آتش بس به ارتش پاکستان. از انتشارات اداره فیلم و مطبوعات دولت پاکستان. اکتبر ۱۹۶۵
- ۶- کشمیر و سازمان ملل. سخنرانی آقای ذوالفقار علی بٹو در جلسه شورای امنیت. از انتشارات اداره فیلم و مطبوعات پاکستان. اکتبر ۱۹۶۵
- ۷- هندوستان در مقابل آراء جهان. از انتشارات اداره فیلم و مطبوعات دولت پاکستان اکتبر ۱۹۶۵
- ۸- هند. کشوری که مذهب در سیاست آن دخالت نمیکند. اداره اطلاعات سفارت کبیرای هند خط تهران
- ۹- کشمیر و ملل متحد. نشریه اداره اطلاعات هند. تهران
- ۱۰- کشمیر. نشریه اداره اطلاعات هند. تهران بهمن ۱۳۴۲
- ۱۱- چند سؤال و جواب درباره کشمیر. نشریه اداره اطلاعات سفارت کبیرای هند تهران بهمن ماه ۱۳۴۱
- ۱۲- آرشیو روزنامه کیهان از ۱۴ مرداد تا ۲۱ آذر ۱۳۴۴

منابع انگلیسی که در تهیه این مقاله مورد استفاده واقع شده

- 1 - Spate, o.k., «India and Pakistan» chapter 2.
- 2 - Weigert, Principles of Political Geography, New York : Appleton - Century - Crofts, Inc., 1957, P. 74.
- 3 - Percy and Associates, World Political Geography, New York : Thomas Y. crowell Co, 1967, pp 538 - 539.
- 4 - Lewis S. Alexander, World Political Patterns, Rand M.c,

Nalley and Co., Second Printing, 1961, pp. 379 - 383.

5 - R.R. Rawson, 'The Monsoon Lands of Asia, Chicago : Aldine Publishing Co., 1963, pp. 144 - 7.

6 - « the partition of India and the Prospects of Pakistan, Geographical Review, XXXVIII, Jan 1948, pp. 5-30.

7 - Robert C. Mayfield, « A Geographic study of the Kashmir Issue», Geographical review, vol. 45, April 1955, pp. 181-196.

8 - World Almanac, 1966.

9 - Time Magazine, Aug 20 Aug 27, Sept. 10, oct. 1, 1965.

10 - Kashmir, Text of Speech by Shri C.S. Jha, Foreign secretary of India. in the Security Council on Sept. 6, 1965, by External Publicity Division, New Delhi .

11 - Salient Aspects of the Kashmir Situation, by Information Service of India.

12 - Kashmir Answers Pakistan, by Publications Division, Ministry of Information and Broadcasting Government of India.

13 - Josef Korbel, Danger in Kashmir, New Jersey : Princeton

14 - University Press, 1954.

15 - Aziz Beg, Captive Kashmir, Lahore : Allied Business corporation, 1954.

16 - Kashmir last chance for the United Nations.

17 - Kashmir slides into slavery, Kashmir Publication.

18 - Kashmir at the interparliamentary Union Conference Ottawa

19 - 'The Kashmir Crisis, Speeches at the Security Council by Mr. S.M. Zafar,

20 - Struggle for the Liberation of Kashmir, by the Revolutionary Council of the people of Kashmir.

21 -- Kashmir at the U.N. General Assembly, Sept. 27-Oct. 17, 1965.

22 - President Ayub on the Crisis over Kashmir, Department of Films and Publications in Pakistan, 1965.